



Center for Strategic Studies of the
Islamic Republic of Iran Army

**Journal Of
Army Strategic Research**
Print ISSN:27834212
Volume 4, Issue 12
Summer 2025
P.P. 49 - 72

Analysis of Iran's demographic transition for the purpose of applying it to population youth policies and upgrading military power by learning from the experience of the Holy Defense

Rahim Afsharian¹, Reza Arab Chadegani², Marzieh Javadi Arjmand*³

Abstract

Unlike the decades of 1360 and 1370 AH, the population of Iran at the time of writing this article (1403) is experiencing the period of transition to old age and this process continues. Since one of the components of the social power and ultimately the military power of any country is the youth of its population, this research aims to show "how to change Iran's demographic transition towards youth by learning from the experience of the holy defense". Since most of the military and civilian forces, as well as war martyrs and young people, are between 16 and 35 years old, and considering the current trend of Iran's population transitioning to old age due to population policies after the war, this research is based on documentary methods and qualitative data analysis, specifically And this case seeks to know the ways to improve the military power of the Islamic Republic of Iran through the youth of the population. The results of the conducted studies indicate that the number of women in the population pyramid of Iran is higher than that of men, and it makes it necessary to pay special attention to the role of this segment of the society in macro-population policies. The results of this research show that the adoption of any strategy that leads to a quantitative and qualitative increase in the population in the territorial geography of the Islamic Republic of Iran is directly effective on the military power, and the experience of holy defense is a guide for the decision makers in this field.

Keywords: Holy Defense, demographic transition, demographic scenario, population youth, military power.

Citation: Afsharian, Rahim; Arab Chadegani, Reza; Javadi Arjmand, Marzieh. (2025). Analysis of Iran's demographic transition for the purpose of applying it to population youth policies and upgrading military power by learning from the experience of the Holy Defense. *Journal Of Army Strategic Research* 4 (12), 49-72.

1. PhD student. Regional Studies. University of Tehran. Tehran. Iran.

2. PhD student. International Law, University of Tehran. Iran. Researcher, Army Strategic Studies Center.

3. Faculty Member University of Tehran. Tehran. Iran. (Corresponding Author)

Email:mz_javadi@ut.ac.ir

Received: 2025/05/10
Accepted: 2025/08/06

Article Type: Research - based



تحلیل گذار جمعیتی ایران به منظور کاربردی سیاست‌های جوانی جمعیت و ارتقاء قدرت نظامی با درس‌آموزی از تجربه دفاع مقدس

رحیم افشاریان^۱، رضا عرب چادگانی^۲، مرضیه جوادی‌ارجمند^{۳*}

چکیده

برخلاف دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ ه. ش، جمعیت ایران در زمان نگارش این مقاله (۱۴۰۳) دوره گذار به سالخوردگی را تجربه می‌کند و این روند ادامه دارد. از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های قدرت اجتماعی و در نهایت قدرت نظامی هر کشور، جوان بودن جمعیت آن است، این پژوهش در صدد نشان دهد «چگونه می‌توان با درس‌آموزی از تجربه دفاع مقدس گذار جمعیتی ایران را به سمت جوانی تغییر داد». از آنجایی که بخش اعظم نیروهای نظامی و مردمی و نیز شهدای جنگ را قشر جوان ۱۶ تا ۳۵ سال تشکیل داده و باتوجه به روند کنونی گذار جمعیت ایران به سالخوردگی به سبب سیاست‌های جمعیتی پس از جنگ این پژوهش بر پایه روش اسنادی و تحلیل داده‌های کیفی، به‌طور مشخص و موردی درصدد شناخت راهکارهای ارتقاء قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران از طریق جوانی جمعیت است. نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته حاکی از پیشی گرفتن میزان جمعیت زنان در هرم جمعیتی ایران نسبت به مردان می‌باشد و توجه ویژه به نقش این قشر از جامعه را در سیاستگذاری‌های کلان جمعیتی ضروری می‌سازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، اتخاذ هر راهبردی که منجر به افزایش کمی و کیفی جمعیت در جغرافیای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران شود به‌طور مستقیم بر قدرت نظامی مؤثر بوده و تجربه دفاع مقدس هم‌چون راهنمایی پیش روی تصمیم‌گیرندگان این عرصه است.

واژگان کلیدی: پارادایم، نظریه ساختار سازمانی، ساختار نیوتنی، ساختار کوانتومی.

استناد: افشاریان، رحیم؛ عرب چادگانی؛ رضا؛ جوادی‌ارجمند؛ مرضیه (۱۴۰۴) تحلیل گذار جمعیتی ایران به منظور کاربردی سیاست‌های جوانی جمعیت و ارتقاء قدرت نظامی با درس‌آموزی از تجربه دفاع مقدس. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش* ۴ (۱۲). ۷۲-۴۹

۱. دانشجوی دکتری. مطالعات منطقه‌ای. دانشگاه تهران. تهران. ایران.

۲. دانش‌آموخته دکتری. حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران. ایران. پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات راهبردی ارتش ج.ا.ایران

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران. تهران. ایران. (نویسنده مسئول) Email:mz_javadi@ut.ac.ir

مقدمه

جنگ‌ها در طول تاریخ همواره به‌عنوان نقاط عطفی در تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بوده‌اند. یکی از مقوله‌های اساسی در سرنوشت جنگ‌ها و متأثر از سطح داخلی جوامع، جمعیت کشورها به‌لحاظ کمی و کیفی است. از نظر کمی تعداد نفوس و توصیف آماری و از نظر کیفی ساختار سنی با تأکید بر جوانی و نیز تولد و وفات از مقولات قدرت‌ساز در عرصه جنگ است.

مطالعه جمعیت‌های انسانی سابقه‌ای دیرینه دارد، هرچند مطالعه علمی آن جدید است. این توجه تا حدی به دلیل اهمیت برآورد تعداد سربازان در جنگ‌ها بود، به‌ویژه برای قدرت‌های نظامی مانند امپراتوری‌های ایران، روم و چین. میزان بالای مرگ‌ومیر از جمله به‌سبب بیماری و جنگ و کشتارهای انسانی ناشی از آن، اصلی‌ترین علت پایین بودن نرخ رشد جمعیت در گذشته بود. جمعیت‌شناسان، پایان جنگ‌دوم جهانی را به‌عنوان نقطه عطفی محسوب می‌کنند که اغلب کشورها موفق شدند تا اولین انقلاب جمعیتی (کاهش چشم‌گیر میزان مرگ‌ومیر) را پس از آن تجربه کنند. رابطه جنگ و جمعیت را می‌توان هم در نظریه‌های جمعیتی و هم سیاست‌های جمعیتی احصاء کرد.

مرور مختصر تجارب جهانی در مورد سیاست‌های جمعیتی حاکی از آن است که قدرت‌ها و دولت‌های بزرگ جهان در زمینه نیل به اهداف برنامه‌های ملی و بین‌المللی خود، عمدتاً سیاست‌های موافق ازدیاد جمعیت را دنبال می‌کردند و یکی از اقدامات مرسوم تشویقی آن‌ها برای افزایش جمعیت، معافیت از خدمت دوره ضرورت (سربازی) در کنار معافیت‌های مالیاتی برای مردان خانواده‌های پُرجمعیت بود. جنگ‌ها علاوه بر اندازه جمعیت، بر ترکیب جنسی و سایر ویژگی‌ها مانند ازدواج، فرزندآوری، اشتغال و مهاجرت هم اثر می‌گذارند.

نقش جمعیت در سرنوشت جنگ عراق علیه ایران، که طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم بود، به‌خوبی قابل تبیین است. در واقع مسئله اصلی این پژوهش، درس‌آموزی از نقش مؤلفه جمعیت در طرف ایرانی این جنگ است تا بتوان در یک رویکرد جامعه‌شناختی، ساختار جمعیت را به‌لحاظ جوانی برای افزایش قدرت نظامی تحلیل کرد.

اهمیت موضوع به‌سبب ایجابی از این جهت است که ساختار جوان و باکیفیت جمعیت در یک جنگ، نقش تعیین‌کننده‌ای در شیوه جنگیدن، انگیزه غلبه بر دشمن و دستیابی به راه‌های خلاقانه در میدان نبرد است و ضرورت از منظر سلبی به این دلیل است که کشوری با مختصات

ایران با تهدیدات فراگیر و دائمی از زمان انقلاب اسلامی، همواره در معرض تهاجم دشمنان خود بوده و لزوم آمادگی همه‌جانبه برای دفاع از سرزمین این کشور در گرو یک جمعیت با کیفیت و متناسب با پاسخگویی به هر سطح از تهدیدات برای بازدارندگی است.

بنابراین این پژوهش به دنبال آن است که با تحلیل گذار جمعیتی ایران و با درس‌آموزی از تجربه دفاع مقدس، کاربست سیاست‌های جوانی جمعیت و نقش آن را در ارتقاء قدرت نظامی از طریق تبیین نقش جمعیت ایران در جنگ تحمیلی، گذار جمعیت‌شناختی ایران از سال ۱۳۳۵ تا به امروز، شناخت سناریوهای جمعیتی ایران در افق ۱۴۳۰ ه. ش شناسایی کرده و راهکارهای افزایش قدرت نظامی را با رهیافت جوانی جمعیت بر اساس گذار جمعیت‌شناختی ارائه نماید.

پیشینه

مطالعه ساختار سنی اغلب با شاخص‌هایی چون نسبت‌های وابستگی، میانه و میانگین سنی، نسبت جمعیت در گروه‌های سنی بزرگ و نیز آزمون‌هایی چون ورتهایم و ورنر و ... صورت می‌پذیرد و براساس این شاخص‌ها به طبقاتی از ساختار سنی جمعیت‌ها ذیل عناوینی چون جوان، میانسال و در حال گذار، سالخورده و پیر صورت می‌گیرد (ترکاشوند مرادآبادی، ۱۴۰۲: ۱۵). ساعی‌ارسی (۱۳۸۸) با استفاده از آزمون پیش‌گفته به بررسی تغییرات ساختار سنی ایرانیان در بازه زمانی ۱۳۳۵-۱۳۸۵ پرداخته و با عنایت به نتایج این شاخص‌ها، نگاهی به جوانی جمعیت کشور در دوره ۱۳۳۵-۱۳۴۵ و تشدید این روند در دوره ۱۳۴۵-۱۳۶۵ داشته، به‌طوری‌که بعد از ۱۳۶۵، شدت جوانی کم و در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵، این کاهش، سریع‌تر شده است.

میرفلاح نصیری (۱۳۸۶) نیز در مطالعه‌ای با استفاده از آزمون مذکور و سایر مؤلفه‌های مرتبط با ساختار سنی هم‌چون درصد افراد در گروه‌های سنی بزرگ در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵ پرداخته و با مقایسه نرخ رشد سالمندان در مقابل نرخ رشد جمعیت کشور به تشدید روند سالمندی در آینده ایران می‌رسد.

مسجدی و فتح‌زاده (۱۳۹۱) در بررسی تحولات ساختار سنی جمعیت کشور در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۳۰ به نتایج مشابهی می‌رسند و روند کاهش از تشدید جوانی به سالخوردگی را در اواخر این دوره، مورد توجه قرار می‌دهند. در یکی از نخستین پژوهش‌ها در این زمینه در اولین سال پس از جنگ تحمیلی بر روی ساختار سنی کشور در دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۶۵ نیز با

استفاده از شاخص‌هایی چون نسبت جمعیت در گروه‌های سنی، میانه و میانگین سنی و مقایسه آن‌ها با سایر کشورهای منطقه، نظر بر جوانی شدید جمعیت ایران در مقایسه با سایر کشورها دارد (مهجرانی، ۱۳۶۸).

ترکاشوند و حسینی (۱۳۹۱) با استفاده از معیارهای شرایاک و سیگل در مورد شاخص‌هایی چون میانه سنی، نسبت جمعیت جوان و شاخص سالخوردگی به مرحله‌بندی گذار ساختار سنی جمعیت ایران در دوره زمانی ۱۳۳۰-۱۴۵۰ پرداخته و نظر بر این است که بازه زمانی پیش از سال ۱۳۸۰، دوره جوانی و بازه بعد از سال ۱۴۱۵، دوره سالخوردگی و بازه بین این دو، مرحله گذار جمعیت ایران از جوانی به سالمندی در کشور است. مشفق و حسینی (۱۳۸۹) نیز به روندهای گذشته و آینده تغییرات ساختار سنی کشور پرداخته و به مرحله‌بندی تغییرات ساختار به کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و سالخوردگی توجه داشته‌اند، به طوری که ظاهراً جمعیت ایران مراحل سه‌گانه کودکی، نوجوانی و جوانی خود را پشت سر گذاشته و از سال ۱۳۹۰ وارد دوران میانسالی و از سال ۱۴۱۰ نیز وارد مرحله سالخوردگی می‌شود.

در نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران با استفاده از فرضیات متفاوت در مورد آینده باروری در کشور به پیش‌بینی تغییرات ساختار سنی در سناریوهای مختلف پرداخته‌اند (کوششی، ۱۳۸۱). در یکی از مقالات این همایش، علاوه بر تحلیل روندهای جمعیتی کشور و روند ساختار سنی ایران در گذشته و آینده، به موضوع زرانه‌شدن سالخوردگی و افزایش نسبت زنان نسبت به مردان سالمند در آینده اشاره شده است (مشفق و حسینی، ۱۳۹۰).

یافته‌های تحقیقات کاربردی پروژه جمعیت و توسعه نیز بیان می‌دارد با توجه به این مسئله که ایران در سال ۱۳۸۸ مرحله انتقال ساختار سنی از جوانی به سالخوردگی را تجربه می‌کند، باید به فزونی سرعت و سهم سالخوردگان در سال‌های آتی توجه کرده و بر برنامه‌ریزی و آینده‌نگری برای کنترل مسائل مربوط به سالخوردگان توجه ویژه داشته باشد (مهریار، ۱۳۸۸). زنجانی (۱۳۹۲) اشاره می‌کند که برخی استان‌های ایران در آستانه سالخوردگی جمعیت قرار دارند، به طوری که ۸ درصد از جمعیت آنها بالای ۶۰ سال سن دارند. پیش‌بینی می‌شود این سطوح در چهار دهه آینده به حدود ۲۰ درصد برسد. پیامدهای این پدیده تنها محدود به سالمندان نیست، بلکه فشارهای قابل توجهی بر نظام‌های بهداشتی، بازار کار و تأمین اجتماعی وارد خواهد کرد. از نظر فیروز و میرزایی (۱۳۹۱) نیز سالمندان سریع‌ترین رشد جمعیتی را دارند و ایران با افزایش چشمگیر جمعیت سالمند مواجه خواهد شد. آمارها نشان می‌دهد سهم

این گروه از ۴.۳ درصد در ۱۳۷۵ به ۲۷.۷ درصد در ۱۳۸۵ رسیده و تا قبل از سال ۱۴۳۰ به ۲۶ درصد خواهد رسید.

جهان‌فر و مرادیان (۱۳۹۶) در بررسی فرضیه‌های شش‌گانه تحقیق خود در خصوص آثار اقتصادی- اجتماعی جنگ تحمیلی عراق بر روند مهاجرت در استان خوزستان، مشخص می‌کنند که: «خرابی‌های جنگ و تخریب ساختمان‌ها و کارخانه‌ها و پالایشگاه‌ها و مراکز صنعتی و اقتصادی»؛ «تخریب محیط‌زیست»، «از دست دادن محل کار و اشتغال»، «مشاهده بمباران»، «شهادت و مجروح شدن نزدیکان» و «ترس و آثار ناشی از یادآوری خاطرات فوت نزدیکان بر اثر جنگ و باقی ماندن کابوس آن» بر مهاجرت از استان خوزستان تأثیر داشته‌اند. ایشان معتقدند «هرچه میزان خرابی‌های جنگ و بمباران کاهش یابد، میزان مهاجرت مردم کاهش می‌یابد» و تأکید بر «پدافند غیرعامل به‌عنوان یکی از راه‌های کاهش آسیب‌های بمباران و جنگ» را پیشنهاد می‌کنند.

ترکاشوند مرادآبادی، شمس قهفرخی و زندی ناوگران (۱۴۰۲) معتقدند یکی از ابعاد امنیت در هر جامعه توان نظامی آن است. جمعیت به صورت بالقوه از دو جهت با دفاع و امنیت در رابطه می‌باشد: «حجم» و «ساختار سنی». در مقاله ایشان، با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۳۵-۱۳۹۵ کشور تغییر رشد و حجم جمعیت در گذشته تا کنون تحلیل شده و بر اساس روش‌های جمعیت‌شناختی به پیش‌بینی جمعیت بر اساس فروض مختلف تا افق زمانی ۱۴۴۵ پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساختار سنی جمعیت کشور از جوانی خارج شده است و در حال گذار به سمت سالخوردگی است. پیش‌بینی جمعیت نشان داد که تحولات آینده باروری نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات جمعیتی در آینده کشور خواهد داشت. نکات اصلی در تحولات آینده جمعیت کشور شامل: تعادل در نرخ رشد جمعیت کشور، افزایش تعداد سالمندان در جمعیت، کاهش در نیروی جوان کشور به‌ویژه در سناریوی باروری پایین، کاهش تعداد سربازان مشمول خدمت سربازی و کاهش تعداد جمعیت دارای توان نظامی در سناریوی باروری پایین می‌باشد. اگرچه ظرفیت جمعیتی نیروی نظامی و دارای توان دفاعی کشور اندکی کاهش می‌یابد، اما از آنجایی که امروزه توان نظامی کشورها بر اساس مهارت رقم می‌خورد، پیشنهاد می‌شود از طریق بالابردن کیفیت نیروی نظامی و با بهره‌گیری از ظرفیت سواد در آینده، از طریق کیفیت، مسئله کمیت را جبران نمود.

خرمشاد، آقامحمدی و بابایی (۱۳۹۸) معتقدند که در گذشته، رابطه جمعیت و امنیت به‌صورت

خطی و مبتنی بر کمیت در نظر گرفته می‌شد، اما امروزه علاوه بر تعداد، کیفیت جمعیت (شامل سواد، تخصص، خلاقیت و بهره‌وری) نیز نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. اعتمادی (۱۳۹۸) نیز بر این باور است که ساختار، توزیع و ترکیب جمعیت، پایه‌ای برای شکل‌دهی به قدرت نظامی و اقتصادی کشورهاست. در گذشته، صرف افزایش جمعیت به‌عنوان عاملی برای تقویت امنیت تلقی می‌شد، اما امروزه جمعیت تحصیل‌کرده، متعهد و توانمند است که می‌تواند به‌عنوان یک مزیت راهبردی عمل کند. از سوی دیگر، کاهش جمعیت جوان در ایران می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی محسوب شود. رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به پیامدهای کاهش نرخ رشد جمعیت هشدار داده‌اند، چرا که این روند می‌تواند به کاهش قدرت دفاعی، اقتصادی و سیاسی کشور در بلندمدت بینجامد (خانجانی و کارگر، ۱۴۰۱).

در عصر حاضر، جمعیت جوان و فعال نه‌تنها در تقویت بنیه نظامی، بلکه در افزایش قدرت چانه‌زنی بین‌المللی نیز مؤثر است. از این رو، سیاست‌های جمعیتی باید با نگاهی راهبردی و با در نظر گرفتن ابعاد کیفی و کمی جمعیت طراحی شوند تا از تهدیدهای آینده جلوگیری شود.

الف. جنگ‌شناسی

جنگ‌شناسی عبارت است از مطالعه علل وقوع، اشکال، شیوه‌ها، عملکرد و نتایج یک جنگ به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی است. این اصطلاح ترکیبی از واژه‌های یونانی *polemos* به معنای «جنگ» و *logos* به معنای «بررسی و شناسایی» است و در شکل کلی می‌توان آن را علم جنگ نامید (بوتول، ۱۳۹۶). این واژه متفاوت از جامعه‌شناسی جنگ بوده به‌طوری‌که یکی از مسائل عمده در علم جنگ، مباحث جامعه‌شناختی است (ادیبی‌سده، ۱۳۸۵: ۱۰). بنابراین جامعه‌شناسی جنگ ذیل جنگ‌شناسی قرار گرفته و جمعیت به‌عنوان یکی از شاخص‌های شناخت جوامع، از مهم‌ترین مقولات مؤثر در سرنوشت جنگ‌ها در طول تاریخ بوده است.

جنگ، بی‌تردید، شگفت‌انگیزترین پدیده اجتماعی است. اگر جامعه‌شناسی بیان تاریخ به صورتی دیگر باشد، می‌توان آفرینش تاریخ را از جنگ دانست (بوتول، ۱۳۹۶). در واقع، تاریخ صرفاً با تبیین منازعات مسلحانه شروع و غیرممکن است این پدیده کاملاً از بین برود، چرا که جنگ‌ها برجسته‌ترین مبادی تاریخ و مرزهایی برای تمایز وقایع اثرگذار تاریخی هستند، به‌نحوی که مرز بین هر تحول بزرگ تاریخی با تحول عمده بعد از آن یک جنگ می‌باشد که مراحل مهم حوادث را از یکدیگر متمایز می‌کند. تقریباً ظهور، اوج و افول اغلب تمدن‌های معروف جهان هم‌زمان با جنگ بوده و سبکی از زندگی که هر از چندگاه، نوعی جامعه (کشور)

خاص را در صدر جوامع بشری می‌نشانند، زاده جنگ هستند و مشروعیت خود را از آن می‌گیرند.

ب. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

عراق، پیش از تأسیس امپراتوری عثمانی بخشی از ایران بود و خاندان آق‌قویونلو بر آن حکومت می‌کردند. امپراتوری عثمانی بر آن بود که عراق را در سال ۱۶۳۸ م/۱۰۳۸ ه. ق. جزئی از حکومت خود کند که منجر به جنگ‌های خونین ۴۰۰ ساله از قرن ۱۰ تا ۱۳ ه. ق. میان دو کشور شد. در بیشتر نبردهای میان ایران و عثمانی، عثمانی مهاجم بود و ایران یا با انگیزه دفاع یا با هدف تصرف زمین‌های از دست‌رفته مبادرت به جنگ می‌کرد (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۹۳: ۵۳۵-۵۳۶). امپراتوری عثمانی در ۱۹۲۱ م تجزیه و استقلال عراق اعلام شد ولی اختلافات ایران و عراق برآمده از عثمانی این بار بر سر حقوق اتباع ایرانی در عراق و مسئله اروندرود که از گذشته نیز میان ایران و عثمانی مورد اختلاف بود، خود را نشان داد (درویشی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲).

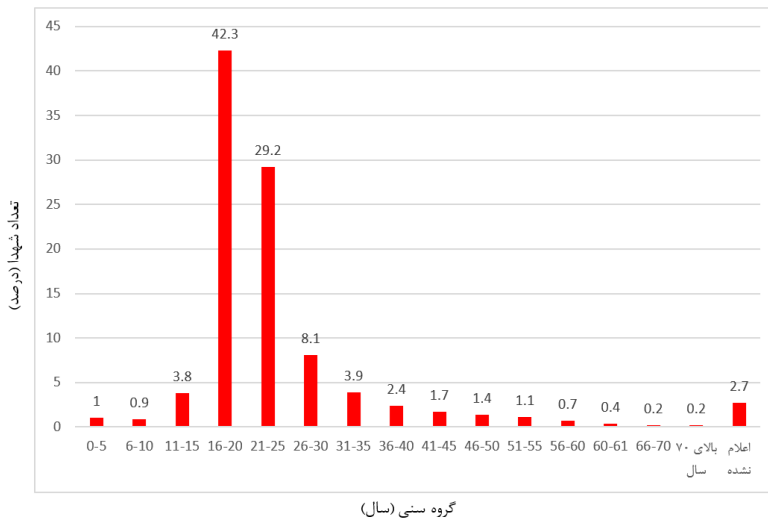
جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹-۲۹ مرداد ۱۳۶۷) به بهانه یک‌طرفه دانستن توافق‌نامه الجزایر و نیز به سبب تصور حکومت بعث عراق از ضعف حکومت جدید و انقلابی ایران به وقوع پیوست. کمبود نیرو، تجهیزات و مهمات در ایران و نیز غافلگیری این کشور، تحولات سال نخست جنگ را به سود عراق پیش برد اما با ساماندهی نیروهای ایران، در فاصله کم‌تر از یک‌سال، بخش زیادی از زمین‌های اشغالی آزاد شد. پس از آن دولت عراق، برای واداشتن ایران به تسلیم در برابر آتش‌بس پیشنهادی سازمان ملل، حمله به مناطق مسکونی و حملات شیمیایی را آغاز کرد (درویشی، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۷). امام خمینی (ره) مقابله ایران با حمله عراق را دفاع مقدس نامید و این جنگ را جنگ حق و باطل و تقابل اسلام و کفر دانست که موجب ایجاد روحیه سلحشوری و تعاون در میان مردم شد.

از زمان وقوع انقلاب تا نیمه اول سال ۱۳۸۰ که هنوز هم ایران به‌طور جدی و گسترده با منافقین، اشرار و قاچاقچیان درگیر جنگی ادامه‌دار بود، ۲۱۷،۴۸۹ نفر به‌عنوان شهید به ثبت رسیده است و قریب به ۸۷ درصد از شهدا مربوط به جنگ تحمیلی می‌باشد (شیرعلی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۱۴).

بر اساس آمار و ارقامی که بنیاد شهید و امور ایثارگران در مرداد ماه ۱۳۹۱ در اختیار پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس قرار داده، مجموع شهدای دارای پرونده در این بنیاد شهید

انقلاب اسلامی را ۲۱۹ هزار نفر بوده که شهادت حدود ۲۰ هزار نفر ناشی از درگیری با ضد انقلاب و ترورهای منافقین است. میزان شهدای درگیری‌های مستقیم با نیروهای بعثی ۱۷۲ هزار نفر و میزان شهدای ناشی از بمباران در داخل ایران نیز ۱۶ هزار نفر است که مجموع شهدای جنگ را به ۱۸۸ هزار نفر می‌رساند (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۲: ۱۹۴).

مهم‌ترین نکته در این آمار، ساختار جوان جمعیت شهدا می‌باشد، به طوری که در حدود ۸۰ درصد از شهدا در سنین ۱۶ تا ۳۵ سال قرار داشته و افراد با سن بیشتر از ۵۰ سال سهم بسیار ناچیزی در آمار مذکور دارند.



شکل ۱- درصد تعداد شهدا در گروه‌های سنی در زمان واقعه (شیرعلی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۱۴)

پ. نظریه‌های جمعیتی و جنگ

طیف‌های مختلف نظریه‌های جمعیت‌شناسی مرتبط با جنگ شامل دو گروه است: موافقین افزایش جمعیت و مخالفین افزایش جمعیت.

ابن خلدون جمعیت را عامل کلیدی امنیت سیاسی-نظامی می‌دانست و معتقد بود رشد جمعیت با شکوفایی تمدن‌ها رابطه مستقیم دارد. به عنوان مثال، نوسانات جمعیتی مصر باستان هماهنگ با فراز و فرودهای تمدنی آن بود (ابن خلدون، ۱۳۹۳). بررسی تحولات جمعیتی مصر از قرن ششم قبل از میلاد تا زمان معاصر نشان می‌دهد که تغییرات در جمعیت این تمدن در دوره‌های رونق و افول آن همزمان بوده است (Hollingsworth, 1969). دورکیم در نظریه تقسیم کار اجتماعی معتقد بود افزایش جمعیت دو پیامد دارد: یا موجب تنازع برای منابع

می‌شود یا منجر به ابداع روش‌های جدید معیشت می‌گردد که معمولاً گزینه دوم محقق می‌شود (هیر، ۱۳۸۰: ۲۸). مالتوس نیز با نگرانی از رشد تصاعد هندسی جمعیت در مقابل رشد حسابی منابع غذایی، جنگ و بیماری را موانع مثبت کنترل جمعیت می‌دانست. او خویش‌داری اخلاقی را راهکار پیشنهادی خود معرفی می‌کرد (فاضل‌نیا، توکلی و جلالی‌ور نام‌خواستی، ۱۳۸۹: ۷۸).

در نظریه‌های مدرن، تأکید از کمیت به کیفیت جمعیت تغییر کرده و جنگ در چارچوب گسترده‌تری از قدرت (نظامی، سیاسی، اقتصادی) تحلیل می‌شود. امروزه برخلاف دیدگاه‌های سنتی، بر نقش جمعیت تحصیل کرده و متخصص در تقویت امنیت ملی تأکید می‌گردد.

ت. نظریه گذار جمعیت‌شناسی در تحلیل جمعیت ایران

تغییر و تحول ویژگی ذاتی جمعیت است. در طول تاریخ شناخته‌شده زندگی بشر جمعیتی را نمی‌توان پیدا کرد که از تغییر و تحول در امان بوده باشد. فرآیند تغییر و تحول جمعیت در طول زمان و تحت تأثیر باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت صورت می‌گیرد. این متغیرها اساسی‌ترین ویژگی‌های هر جمعیت و همین‌طور آینده جمعیت‌شناختی آن را تعیین می‌کنند. نظریه گذار جمعیت، تغییرات در میزان‌های مولید و مرگ‌ومیر بالا را به مولید و مرگ‌ومیر پایین و به موازات گذار از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سنتی به یک جامعه مدرن صنعتی و شهری را بیان می‌کند. در فرآیند گذار جمعیتی، سهم گروه سنی زیر ۱۵ سال به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد، در حالی که جمعیت جوان و فعال (سن کار) افزایش پیدا می‌کند. همزمان، جمعیت سالمند نیز به تدریج رشد می‌کند. جمعیت‌شناسان به این تحولات ساختار سنی، «گذار جمعیتی» می‌گویند که به معنی تغییر تدریجی ترکیب سنی از جامعه کاملاً جوان به جامعه کاملاً سالخورده است (Weeks, 1999).

اولین بار این نظریه در سال ۱۹۲۹ و توسط جمعیت‌شناس آمریکایی تامسون و طی تفسیر تاریخ جمعیت جهان ارائه شد. تامسون تغییرات و یا انتقال، مولید و مرگ‌ومیر مشاهده‌شده در جوامع صنعتی در طول ۲۰۰ سال گذشته را در اکثر کشورهای توسعه یافته در قالب ۳ یا ۴ مرحله قابل تفسیر و برای کشورهای در حال توسعه در قالب ۳ مرحله تفسیرشدنی دانست (Caldwell et al, 2006). این نظریه در کشورهای توسعه یافته از سده هجدهم میلادی شروع شده است و هم‌چنان ادامه دارد و در کشورهای در حال توسعه مراحل آغازین خود را سپری می‌کند. این نظریه در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسط فرانک نوتستین گسترش و به‌طور کامل‌تری

ارائه شد (قدیری معصوم، فرجی سبک‌بار و چراغی، ۱۳۹۸: ۲۸). نظریه گذار جمعیتی تحول ساختار جمعیتی را توضیح می‌دهد که در آن جوامع از مرحله‌ای با نرخ بالای تولد و مرگ (و رشد جمعیت کم) به مرحله‌ای با نرخ پایین تولد و مرگ (و همچنان رشد جمعیت محدود) انتقال می‌یابند. این تغییر از تعادل قدیمی به تعادل جدید جمعیتی را شامل می‌شود.

آنچه در این نظریه بر آن تأکید می‌شود این است که به موازات گذار جوامع از شرایط پیشامدرن به یک جامعه مدرن صنعتی و شهری، میزان‌های موالید و مرگ‌ومیر و در نتیجه حجم، رشد و ساختار جمعیت تغییر می‌کند. تقریباً همه کشورها در مراحل مختلف گذار جمعیت‌شناختی قرار دارند. گذار مرگ‌ومیر و سپس گذار باروری دو نیروی اصلی تعیین‌کننده گذار جمعیت‌شناختی هستند. مراحل انتقال جمعیت شامل سه مرحله است، که رشد جمعیت در آن‌ها مجدداً به سطح اولیه می‌رسد. در مرحله اول، میزان تولد و مرگ‌ومیر بالا و مشابه هم است، اما در مرحله سوم، هر دو به حداقل می‌رسند. در نتیجه، رشد جمعیت در این دو مرحله ناچیز و زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت طولانی است. در مرحله اول، مرگ‌ومیر زیاد باعث کوتاهی عمر و جمعیت جوان می‌شود، در حالی که در مرحله سوم، کاهش مرگ‌ومیر و عمر طولانی‌تر، جمعیت سال‌خورده و با امید به زندگی بیشتر است. هم‌زمان با انتقال جمعیتی، انتقال سنی هم شروع می‌شود، که برخی آن را به چهار گروه سنی تقسیم کرده‌اند:

- کودکی: افزایش جمعیت کم‌تر از ۱۵ سال نسبت به بقیه گروه‌ها؛

- جوانی: افزایش جمعیت بین ۱۵ تا ۲۹ سال نسبت به بقیه گروه‌ها؛

- میان‌سالی: افزایش جمعیت بین ۳۰ تا ۶۴ سال نسبت به بقیه گروه‌ها؛

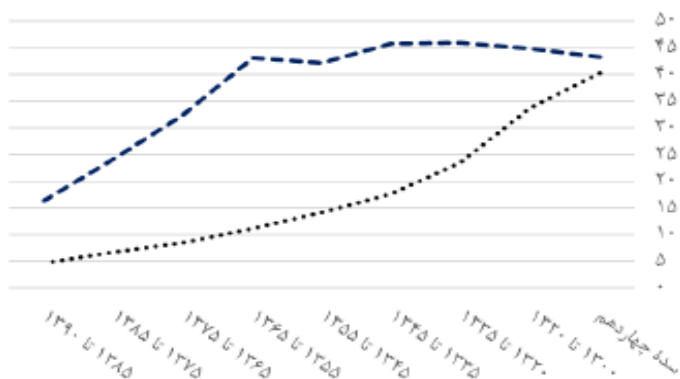
- سالمندی: افزایش جمعیت بیشتر از ۶۵ سال نسبت به بقیه گروه‌ها (مشفق و میرزایی، ۱۳۹۱:

۲۷).

جمعیت ایران در حال تجربه تغییرات بنیادین در ساختار سنی‌اش است که ناشی از کاهش مستمر نرخ باروری و افزایش امید به زندگی می‌باشد. این تحولات پیامدهای مهم اقتصادی و اجتماعی برای سیاستگذاری‌های کلان کشور دارد. در دهه اخیر شاهد کاهش سهم جمعیت زیر ۱۵ سال و افزایش هم‌زمان جمعیت در سن کار بوده‌ایم (ویکس، ۱۳۹۶). مطالعات سرایی (۱۳۹۰) و امانی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که فرآیند گذار جمعیتی ایران از سال‌های پس از جنگ جهانی اول آغاز شد:

- قبل از ۱۲۸۵ میزان مرگ‌ومیر ثابت بوده است؛

- در فاصله ۱۲۸۵-۱۳۰۵: کاهش تدریجی مرگ‌ومیر و افزایش رشد جمعیت از ۰.۶٪ به ۱.۵٪
 - در دوره ۱۳۱۰-۱۳۳۰: تداوم روند کاهش مرگ‌ومیر و افزایش شکاف بین موالید و مرگ‌ومیر
 - در فاصله ۱۳۳۰-۱۳۶۵: کاهش چشمگیر مرگ‌ومیر (از ۸.۳۳ به ۱۱.۱) و افزایش نسبی موالید (از ۴۵.۸ به ۴۳.۱) که منجر به رشد سریع جمعیت شد
 - از ۱۳۷۰ به بعد: تثبیت مرگ‌ومیر در سطح پایین (قدیری معصوم، فرجی سبک‌بار و چراغی، ۱۳۹۸: ۳۱).



شکل ۲: نمودار تحولات موالید و مرگ‌ومیر در ایران (سرایی، ۱۳۷۶ و مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)

شکل ۲ روند تحولات مرگ‌ومیر و موالید را در هنگام آغاز گذار جمعیتی ایران تا مرحله سوم نشان می‌دهد. بررسی ساختار جمعیتی ایران طی ۵۵ سال گذشته نشان می‌دهد که سهم نسبی گروه‌های مختلف سنی از کل جمعیت دارای تغییرات زیادی بوده است، به‌گونه‌ای که سهم گروه سنی ۰-۴ سال از ۱۷.۶۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۸.۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است، کاهش تعداد جمعیت این گروه سنی همراه با افزایش سهم گروه‌های سنی بالای ۶۰ سال بوده است، نکته شایان توجه در بررسی ساختار سنی جمعیت، سرعت رشد کاهش سهم جمعیت زیر ۱۵ سال و افزایش بار تکفل سالمندان طی پنجاه سال گذشته خواهد بود.

دگرگونی ساختار سنی و نرخ رشد جمعیت ایران طی پنج دهه گذشته اغلب، از تغییرات حاصل از نرخ باروری ناشی شده است. برای سنجش باروری، جمعیت‌شناسان اغلب از شاخصی به نام نرخ خام باروری استفاده می‌کنند که از تقسیم تعداد کودکان زیر یک سال بر جمعیت وسط سال سرشماری ضرب در ۱۰۰۰ به دست می‌آید. بررسی نرخ خام موالید ایران حاکی از آن است که این شاخص در چهار سرشماری اول، بالاتر از ۴۰ در هزار بوده، ولی در سرشماری

۱۳۷۵ به ۳۰.۱ و در سال ۱۳۹۰ به ۱۲ در هزار کاهش یافته است. هم‌چنین بررسی روند تحولات سهم گروه‌های سنی از کل جمعیت طی ۵۰ سال اخیر نشان‌دهنده گذار جمعیت ایران از دوره کودکی و جوانی به دوره میانسالی است. به‌گونه‌ای که سهم گروه سنی ۰-۴ از ۱۸ درصد سال ۱۳۳۵ به ۸ درصد در سال ۱۳۹۰ و سهم گروه سنی ۲۰-۲۴ سال از ۸ درصد سال ۱۳۳۵ به ۱۱ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. تحلیل داده‌های سرشماری نشان می‌دهد که میانگین سنی جمعیت ایران پس از کاهش به ۲۱.۷ سال در سال ۱۳۶۵، روند افزایشی سریعی داشته است؛ در سال ۱۳۷۵ برابر ۲۴ سال، در سال ۱۳۸۵ برابر ۲۷.۹۹ سال و در سال ۱۳۹۵ برابر ۳۱.۱ سال بوده است.

جدول ۱- روند تحولات شاخص‌های گذار جمعیت (سرایی، ۱۳۷۶ و مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)

دوره زمانی	امید به زندگی	نرخ مرگ‌ومیر اطفال زیر یک‌سال	نرخ خام ولادت	نرخ خام مرگ‌ومیر	نرخ رشد طبیعی جمعیت
سده چهاردهم	۲۵	۳۰.۵	۴۳.۳	۴۰.۳	۳
۱۳۲۰-۱۳۰۰	۳۰	۲۵.۶	۴۴.۸	۳۳.۸	۱۱
۱۳۳۵-۱۳۲۰	۴۰	۲۰.۱	۴۶	۲۳.۵	۲۲.۵
۱۳۵-۱۳۳۵	۴۷.۵	۱۳.۲	۴۵.۸	۱۷.۶	۳۰
۱۳۵۵-۱۳۴۵	۵۲.۵	۱۰.۶	۴۲.۲	۱۴.۱	۳۰
۱۳۶۵-۱۳۵۵	۵۷.۵	۸.۲	۳.۱	۱۱.۱	۳۲
۱۳۷۵-۱۳۶۵	۶۱.۳	۵.۸	۳۲.۳	۸.۴	۲۲
۱۳۸۵-۱۳۷۵	۶۷	۳.۷	۲۴.۳	۶.۸	۱۴
۱۳۹۰-۱۳۸۵	۷۳	۲.۱	۱۶.۳	۴.۶	۵

ث. سناریوهای جمعیت‌شناسی ایران در افق ۱۴۳۰ ه. ش

مطالعات جمعیت‌شناسی اهمیت زیادی به نرخ رشد جمعیت می‌دهند. سیاست‌های جمعیتی هر کشور جزو سیاست‌های کلان هستند و بر اساس آنها کشورها یکی از سه راهبرد کاهش، حفظ یا رشد جمعیت را دنبال می‌کنند. در ایران، سطح باروری تا حدی تحت تأثیر ترجیحات فردی والدین قرار دارد که این ترجیحات نیز به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم وابسته است. بهره‌گیری مؤثر از روش‌های تنظیم خانواده می‌تواند در رسیدن به این تمایلات نقش مهمی ایفا کند (پولارد، یوسف و پولارد، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران با توجه به اهمیت سیاست‌های جمعیتی و اثر مستقیم آن در میزان‌های باروری و رشد جمعیت، به آینده‌نگاری جمعیت ایران را با چهار سناریوی افزایش باروری (با ۲.۶ فرزند)، ثبات باروری (۲.۱۱ فرزند)، کاهش باروری (۱.۵ فرزند) و کاهش ملایم باروری (۱.۹۵ فرزند) پرداخته است. (فتحی، ۱۳۹۹: ۱۳).

جدول ۲- پیش‌بینی جمعیت کشور با چهار سناریو از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰ (فتحی، ۱۳۹۹: ۱۴)

سناریو اول	سناریو دوم	سناریو سوم	سناریو چهارم	سال‌های پیش‌بینی
افزایش میزان باروری کل به بالاتر از تثبیت میزان باروری کل (۲/۱ فرزند)	تثبیت میزان باروری کل (۲/۱ فرزند)	کاهش شدید باروری (۱/۵ فرزند)	کاهش باروری با شیب ملایم (۱/۹ فرزند)	
۸۰,۰۳۸,۱۶۷	۸۰,۰۳۸,۱۶۷	۸۰,۰۳۸,۱۶۷	۸۰,۰۳۸,۱۶۷	۱۳۹۵
۸۵,۱۵۹,۳۳۰	۸۴,۹۷۴,۰۵۲	۸۴,۷۸۵,۳۴۴	۸۴,۹۱۲,۲۹۳	۱۴۰۰
۸۹,۹۹۱,۱۲۴	۸۹,۲۳۶,۲۴۴	۸۸,۵۴۱,۰۹۹	۸۹,۰۲۲,۴۰۶	۱۴۰۵
۹۴,۴۷۲,۰۰۳	۹۲,۸۲۱,۳۶۰	۹۱,۱۴۱,۳۰۱	۹۲,۳۳۸,۹۰۶	۱۴۱۰
۹۸,۹۵۸,۸۷۶	۹۶,۰۰۹,۰۰۱	۹۳,۰۰۳,۰۹۱	۹۵,۱۰۳,۹۸۵	۱۴۱۵
۱۰۳,۵۶۵,۷۶۴	۹۹,۰۱۳,۶۱۳	۹۴,۴۲۸,۰۵۰	۹۷,۵۹۰,۸۹۶	۱۴۲۰
۱۰۸,۱۴۸,۲۴۰	۱۰۱,۷۸۱,۴۷۴	۹۵,۳۰۴,۲۱۸	۹۹,۷۸۸,۴۸۸	۱۴۲۵
۱۱۲,۴۷۵,۴۵۸	۱۰۴,۰۱۷,۵۸۸	۹۵,۳۱۷,۶۴۶	۱۰۱,۳۹۲,۳۲۰	۱۴۳۰

نتایج پیش‌بینی حاکی از آن است که بر اساس هر فرض، متوسط رشد سالانه جمعیت در دوره‌های ۵ ساله متفاوت خواهد بود. در دوره زمانی ۳۵ ساله ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰ حداقل متوسط رشد سالانه جمعیتی ۰.۵ درصد و حداکثر ۰.۹۸ درصد خواهد بود. هم‌چنین با توجه به آغاز موج دوم رشد جمعیت در ایران و وقوع پدیده گشتاوری جمعیت و پیش‌بینی ادامه روند آن حداقل تا سه دهه آینده، در بدترین حالت (فرض ۱.۵ فرزند) پیش‌بینی می‌شود، حداقل تا دهه ۱۴۲۰، رشد جمعیت کشور به صفر نخواهد رسید. موضوعی که هم‌اکنون دغدغه بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران است. در واقع این پیش‌بینی می‌تواند به بسیاری از نگرانی‌های موجود در زمینه کاهش شدید رشد جمعیت خاتمه دهد.

جدول ۳- پیش‌بینی متوسط سالانه رشد جمعیت کل کشور با چهار فرض پیش‌بینی از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰ (فتحی، ۱۳۹۹: ۱۷)

سناریو اول	سناریو دوم	سناریو سوم	سناریو چهارم	سال‌های پیش‌بینی
افزایش میزان باروری کل به بالاتر از سطح جانشینی (۲/۶ فرزند)	تثبیت میزان باروری کل (۲/۱ فرزند)	کاهش شدید باروری (۱/۵ فرزند)	کاهش باروری با شیب ملایم (۱/۹ فرزند)	
۱,۲۵	۱,۲۰	۱,۱۶	۱,۱۹	۱۳۹۵-۱۴۰۰
۱,۱۱	۰,۹۸	۰,۸۷	۰,۹۵	۱۴۰۰-۱۴۰۵
۰,۹۸	۰,۷۹	۰,۵۸	۰,۷۳	۱۴۰۵-۱۴۱۰
۰,۹۳	۰,۶۸	۰,۴۱	۰,۵۹	۱۴۱۰-۱۴۱۵
۰,۹۱	۰,۶۲	۰,۳۰	۰,۵۲	۱۴۱۵-۱۴۲۰
۰,۸۷	۰,۵۵	۰,۱۸	۰,۴۵	۱۴۲۰-۱۴۲۵
۰,۷۹	۰,۴۴	۰,۰۰	۰,۳۲	۱۴۲۵-۱۴۳۰

روش‌شناسی

پژوهش حاضر بر اساس هدف و با توجه به کاربرد نتایج حاصل از پژوهش در سیاست‌گذاری‌های

جمعیتی از پژوهش‌های کاربردی و به سبب تلاش برای ارتباط دو حوزه مختلف «جمعیت» و «قدرت نظامی»، توسعه‌ای است. همچنین بر اساس ماهیت داده‌ها، پژوهش از انواع پژوهش‌های کیفی می‌باشد. داده‌های این پژوهش به صورت غیرآزمایشی از نوع اسنادی و مطالعه موردی جمع آوری گردیده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش را بر اساس روش پیش گفته و مطالعات صورت گرفته می‌توان ذیل دو موضوع «جنگ و پیامدهای جمعیتی آن» و «جنگ، قدرت و جمعیت» دسته‌بندی کرد.

الف. جنگ و پیامدهای جمعیتی آن

جنگ‌ها آثار قابل توجهی بر جمعیت دارند، از جمله کاهش مستقیم اندازه جمعیت به دلیل تلفات انسانی، که شدت آن بستگی به ویژگی‌های جنگ دارد. برای نمونه، تلفات جنگ جهانی اول بیش از ۱۶ میلیون و جنگ جهانی دوم بیش از ۷۰ میلیون کشته داشتند (فروتن، ۱۴۰۱: ۷۶). در مقابل، مناطق دورافتاده از جنگ مانند آمریکا و کانادا، که در جنگ‌های جهانی نقش نداشتند، نه تنها تهدیدی برای جمعیت‌شان نبودند بلکه در مسیر رشد قرار گرفتند (هیر، ۱۳۸۰: ۹۳).

جنگ‌ها می‌توانند ساختار سنی و نسبت جنسی جمعیت را تحت تأثیر قرار دهند، چرا که مردان و افراد میانسال بیشتر در میدان‌های جنگ حضور دارند و در معرض تلفات قرار می‌گیرند. در جمعیت‌شناسی، نسبت جنسی نشان‌دهنده تعداد مردان به ازای هر ۱۰۰ زن است؛ برای مثال، پس از جنگ جهانی دوم، در آلمان غربی نسبت جنسی در گروه سنی ۲۰-۳۹ سال تنها ۶۳ بود (هیر ۱۳۸۰: ۱۷۰). این آثار جنگ بر ساختار سنی و جنسی می‌تواند بر ویژگی‌های دیگر جمعیت مانند الگوهای ازدواج، نرخ تجرد، باروری و اشتغال نیز اثر بگذارد؛ مثلاً، کاهش تعداد مردان در یک گروه سنی ممکن است منجر به افزایش تجرد یا اختلال در الگوهای ازدواج شود. هیر (۱۳۸۰) همچنین اشاره کرده است که کاهش نسبت مردان در سنین جوانی و میانسالی در جنگ جهانی دوم باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی مانند ولادت‌های غیرمشروع شد، به‌ویژه در کشورهایی که تعداد زیادی از مردان‌شان در جنگ کشته شده‌اند (هیر، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

چنانچه اشاره شد، ایران در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ با رشد بی‌سابقه ۴ درصدی جمعیت مواجه شد که بر اساس پژوهش‌های میرزایی (۱۳۸۴: ۱۰۱)، حدود ۰.۸ درصد از این رشد ناشی از

مهاجرت‌های اجباری شامل پناهندگان افغانستانی (ناشی از جنگ‌های داخلی افغانستان) و بازگشت‌کنندگان عراقی (در پی جنگ ایران و عراق) بوده است. الگوی مشابهی در استرالیا مشاهده می‌شود که بخش قابل توجهی از جامعه مسلمانان این کشور را مهاجران جنگ‌زده از مناطقی مانند بوسنی و هرزگوین و لبنان (در پی جنگ با اسرائیل) تشکیل می‌دهند. این گروه عموماً از وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف‌تری نسبت به دیگر مهاجران برخوردارند (Foroutan, ۲۰۰۸: ۶۷).

جنگ‌ها علاوه بر تلفات مستقیم، پیامدهای ویرانگر غیرمستقیمی بر جمعیت دارند. پرسا (۱۳۶۳) جنگ‌ها را یکی از عوامل اصلی «بی‌نظمی‌های اجتماعی» می‌داند که رشد جمعیت را در گذشته محدود کرده‌اند. نمونه‌هایی مانند حملات چنگیزخان مغول و قبایل ژرمن، تلفات انسانی گسترده‌ای به بار آوردند و با پیشرفت فناوری‌های نظامی، این تخریب‌ها شدت یافت. جنگ‌ها با مختل کردن ساختارهای اجتماعی، فجایع انسانی را تشدید می‌کنند. از سوی دیگر، بورا (۱۹۷۰) اشاره می‌کند که در گذشته، مناطق جنگ‌زده اغلب درگیر اپیدمی‌های مرگباری مانند طاعون و تیفوس می‌شدند که گاهی تلفات‌شان از خود جنگ بیشتر بود. برای مثال، در جریان فتح آمریکای لاتین توسط اروپاییان، بیماری‌های همه‌گیر باعث کاهش شدید جمعیت شد. در دوران معاصر نیز محاصره لنینگراد در جنگ جهانی دوم منجر به مرگ یک‌سوم از جمعیت ۳ میلیون نفری شهر بر اثر گرسنگی و سرما شد (هیر، ۱۳۸۰: ۹۳). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که جنگ‌ها نه تنها با خشونت مستقیم، بلکه از طریق فروپاشی نظام‌های اجتماعی و بهداشتی نیز بر جمعیت تأثیر می‌گذارند.

ب. جنگ، قدرت و جمعیت

مطالعات نشان می‌دهد برخی جوامع مذهبی (کاتولیک‌ها در اروپا و مسلمانان در جهان اسلام) افزایش جمعیت را راهبردی برای حفظ هویت و قدرت می‌دانستند (دای، ۱۹۶۸). پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز ایران برنامه‌های کنترل جمعیت را به عنوان توطئه‌ای برای تضعیف جهان اسلام ملغی کرد. ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم با بوم زادوولد مواجه شد که محرک اقتصادی محسوب می‌شد. افزایش جمعیت می‌تواند تقاضای مصرفی و رشد اقتصادی را تحریک کند. هیر (۱۳۸۰) معتقد است جمعیت هم منبع نیروی انسانی و هم مالیات برای ارتش است، اما شاخص‌های صنعتی مانند تولید فولاد ممکن است معیار بهتری برای سنجش قدرت باشند. تجربه شوروی در ۱۹۳۶ نشان داد افزایش جمعیت راهکار فوری برای تقویت نظامی نیست

(۲۰ سال تأخیر)

همچنین سیاست‌های افزایش جمعیت ممکن است مشارکت زنان در صنایع نظامی را کاهش دهد (فروتن، ۱۴۰۱: ۸۲). اگرچه جمعیت می‌تواند عاملی برای قدرت باشد، اما کیفیت، زمان‌بندی و توازن جنسیتی جمعیت از کمیت آن مهم‌تر است. راهبردهای جمعیتی باید با ملاحظات اقتصادی، صنعتی و زمانی همراه باشد.

پس از پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، ایران رویکرد مثبت نسبت به افزایش جمعیت را مجدداً اتخاذ کرد، زیرا این رویکرد مبتنی بر فرهنگ و نگرش دینی مثبت نسبت به خانواده و فرزندآوری بود. برنامه‌های تنظیم خانواده که از ۱۳۴۶ شروع شده بود، پس از انقلاب لغو شد. جنگ سال ۱۳۵۹ شرایط روانی و اجتماعی خاصی ایجاد کرد و انگیزه‌ها را برای ازدواج و باروری تقویت کرد، به طوری که نرخ باروری در ۱۳۶۵ به بیش از ۶ فرزند در هر زن رسید و جمعیت کشور در این مدت از ۳۴ میلیون به حدود ۵۰ میلیون نفر افزایش یافت، یعنی سالیانه حدود ۴ درصد رشد که معادل هر ۱۸ سال دو برابر شدن جمعیت است، در حالی که بیشترین نرخ رشد جهانی بین ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ حدود ۲ درصد بود.

پس از پایان جنگ تحمیلی و انتشار سرشماری ۱۳۶۵، دولت و مردم ایران شروع به فعالیت‌های گسترده برای کنترل رشد سریع جمعیت کردند. از سال ۱۳۶۷، جمعیت به‌عنوان یک مشکل ملی شناخته شد و نگرانی‌های عمومی درباره پیامدهای رشد بی‌رویه، از طریق همایش‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای مطرح شد. در همان سال، کمیته جمعیت تشکیل و برنامه‌های کنترل جمعیت در وزارت بهداشت مجدداً عملیاتی شد. این برنامه‌ها بر اساس ضوابط شرعی اجرا و در سراسر کشور، حتی روستاهای دورافتاده، پیگیری شدند. با تأکید بر ضرورت کاهش نرخ رشد، در برنامه‌های توسعه اول و دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۵) این هدف پیگیری شد و در نتیجه، نرخ رشد جمعیت در این مدت به‌طور بی‌سابقه‌ای کاهش یافت و نرخ باروری کل از حدود ۳ کودک در سال ۱۳۷۵ به زیر ۲ کودک در سال‌های اخیر رسیده است.

بدون شک، برنامه‌های دولتی کنترل جمعیت که پس از پایان جنگ تحمیلی و به‌منظور ارتقاء استاندارد زندگی اجرا شد یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در کاهش باروری در ایران محسوب می‌گردد که به‌ویژه از نقطه نظر تحقق آن در یک دوره زمانی بالنسبه کوتاه به‌عنوان یکی از بی‌سابقه‌ترین نمونه‌های کاهش باروری در تاریخ حیات بشر شناخته شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

جنگ یکی از واقعیت‌های تلخ زندگی انسان‌ها است و کشوری با مختصات ایران با قرار گرفتن در جغرافیای آشوب‌ناک غرب آسیا از یک طرف و مقابله با سیاست‌های نظام سلطه از سوی دیگر و نیز حمایت از جنبش‌های مستضعف اغلب مسلمان این منطقه بیش از هر کشوری در معرض تهدید جنگ بوده است.

اگر هزینه‌های لجستیکی و آمادی جنگ بر عهده دولت‌ها باشد، قطعاً پیشبرد جنگ را جمعیت کشورها به خصوص جوانان به دوش می‌کشند. یکی از تجربه‌های تلخ و درس‌آموز تاریخ معاصر ایران مقابله با جنگ تحمیلی عراق است و آمارها حاکی از این است که جوانان به خصوص گروه سنی ۱۶ تا ۳۵ سال در عرصه‌های مختلف آن نقش‌آفرین بوده‌اند، به نحوی که در حدود ۸۰ درصد از شهدای ایران از زمان انقلاب اسلامی تا نیمه اول سال ۱۳۸۰ را این قشر از جامعه تشکیل می‌دهد و ذکر این نکته لازم است که ۸۷ درصد شهدای این بازه زمانی مربوط به سال‌های جنگ تحمیلی است.

شاخص‌های جمعیتی ایران در آستانه جنگ سبب شد که به لحاظ نیروی انسانی کشور نگرانی‌های خاصی برای مقابله با رژیم بعث عراق نداشته باشد اما سیاست‌های جمعیتی کشور که به تفصیل در این مقاله بررسی شد منجر به گذار جمعیت ایران به سمت سالخوردگی شده و تا به امروز نیز این گذار ادامه دارد و سیاست‌های تشویقی حاکمیتی هم نتوانسته آن‌طور که بایسته است تأثیر مثبتی بر این گذار داشته باشد.

مرکز آمار ایران سناریوهای چهارگانه‌ای را برای گذار جمعیتی ایران در افق ۱۴۳۰ پیش‌بینی کرده و قطعاً کیفیت و کمیت نیروهای نظامی و امنیتی نیز از چگونگی تحقق هر یک از این سناریوها تأثیر می‌پذیرند. بر اساس آنچه که در متن آمده هر چند کمیت جمعیت عامل مهمی در افزایش قدرت کشورهاست اما غفلت از جمعیت کیفی به خصوص در نیروهای نظامی می‌تواند نتایج ناگواری به دنبال داشته باشد. تجربه جنگ تحمیلی این درس را پیش روی سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران قرار داده که موفقیت در هر جنگ احتمالی در آینده در گرو گذار از سالخوردگی جمعیت به جوانی جمعیت و توجه به کیفیت این جمعیت به سبب مادی و معنوی است. به همین منظور بر اساس شاخص‌های مطرح شده در این پژوهش، تجربه قبلی جنگ تحمیلی و ادامه آن در مقابله با اشار و منافقین، شرایط کنونی و نگاه راهبردی به آینده عامل جمعیت در ساختار جامعه ایرانی حائز اهمیت فراوانی است.

با توجه به اینکه در هرم سنی و تمامی سناریوهای آینده جمعیتی کشور، تعداد زنان نسبت به مردان بیشتر خواهد بود، اهمیت توجه به نقش این بخش از جامعه بیشتر می‌شود. تجربه حضور فعال زنان در صحنه‌های دفاع مقدس می‌تواند نمونه‌ای مناسب برای بازتعریف سیاست‌های کلان در این حوزه باشد. بر اساس سناریوی سوم پیش‌بینی مرکز آمار در افق سال ۱۴۳۰، که شامل افزایش سطح باروری کلی و رسیدن به حدود ۲.۶ فرزند است، جمعیت ایران ممکن است به بیش از ۱۱۲ میلیون نفر برسد، اما نکته کلیدی این است که این جمعیت از چه کیفیت و توانمندی برخوردار خواهد بود و با چه سطح کیفی زندگی خواهد کرد. به همین دلیل، همیشه لازم است تعادلی میان کمیت و کیفیت جمعیت برقرار شود.

به نظر نگارندگان هر گونه سناریویی که مستقیماً به افزایش جمعیت باکیفیت منجر شود در آینده قدرت نظامی کشور مؤثر است. از این رو افزایش قدرت نظامی مبتنی بر جمعیت در گرو سیاست‌گذاری صحیح و آینده‌نگر برای رشد باکیفیت کشور خواهد بود که در قالب راهکارهای ذیل ارائه می‌شود.

وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران، سبب مقاومت اجتماعی در برابر ازدواج در سنین پایین و فرزندآوری در تعداد بالا می‌شود. لذا توجه به نکات ذیل در این چارچوب مؤثر است:

- هر فرزندی که در یک سال به دنیا می‌آید نقش یکسانی بر میانگین تعداد فرزندآوری خواهد داشت. لذا سیاست‌گذاری جمعیتی باید مشوق همه فرزندان به دنیا آمده در کشور باشد و نه صرفاً فرزندان در رتبه‌های سوم به بعد.
- وجود تعداد بالای زنان با باروری صفر سبب کاهش میانگین باروری کل شده که زنان نابارور، زنان ازدواج کرده بدون فرزند، زنان ازدواج نکرده و زنان مطلقه و بیوه بدون فرزند را شامل می‌شود. هرگونه تلاش برای خارج کردن این گروه زنان از وضعیت باروری صفر به باروری یک فرزند، نقش اساسی در افزایش میانگین باروری در کشور خواهد داشت. باین حال در سیاست موجود در کشور و مشوق‌های فرزندآوری، مشوق فرزند اول جای زیادی را به خود اختصاص نداده است. نیاز است در سیاست‌گذاری، فرزند اول پس از ازدواج بیشترین تشویق را به خود اختصاص دهد.
- بسیاری از دختران دهه ۱۳۶۰ در کشور هنوز ازدواج نکرده و در سنین بالا مجرد هستند. ازاین رو چون همه ازدواج‌ها اثر مثبت بر باروری کشور خواهد گذاشت، باید در سیاست‌های جمعیتی علاوه بر تشویق ازدواج سنین پایین، مشوق‌هایی را برای افراد مواجه با تأخیر ازدواج نیز ایجاد کرد تا این گروه از افراد، ترغیب به ازدواج شوند. برای نمونه در بحث وام ازدواج، به ازدواج‌های در سنین بالا نیز توجه شود.

- دیگر بعد تشویقی در حوزه افزایش ازدواج و فرزندآوری، توجه به ازدواج مجدد افراد مطلقه و بیوه است که در سیاست‌های جمعیتی کشور هیچ جایگاهی ندارد. در این زمینه به فرهنگ‌سازی نیاز است و باید در جهت کاهش قبح ازدواج با دختران بیوه و طلاق‌گرفته، سیاست‌گذاری شود.
- نکته دیگر ایجاد سیاست‌های جمعیتی غیرمستقیم و پنهان است. مسکن و اشتغال از پیش‌نیازهای ازدواج، پایداری خانواده و فرزندآوری است.
- نوع دیگر سیاست غیرمستقیم کمک به فرزندپروری برای جوانان است. کمک به فرزندپروری از طریق ایجاد مهدکودک در محل کار و ... به‌صورت پنهان ترس از فرزندآوری را در جوانان کاسته و نگرش آن‌ها را به فرزندآوری تغییر خواهد داد.
- ارتقاء سلامت در گروه‌های مختلف جمعیتی از طریق افزایش بهداشت عمومی در سطح جامعه، کنترل و پیش‌گیری بیماری‌های واگیردار و خاص در مناطق مستعد این بیماری‌ها و گسترش مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق کمتر توسعه‌یافته به‌همراه ارتقاء سطح کیفی خدمات‌رسانی آن‌ها
- برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی در تسهیل ازدواج، کاهش سن ازدواج و استحکام خانواده
- پوشش بیمه درمانی رایگان برای مادران و کودکان از شروع دوران بارداری تا پایان دو سالگی کودک، ویژه افرادی که تحت پوشش بیمه درمانی نیستند.
- پیشگیری از کاهش نرخ باروری و افزایش آن بر اساس اصول اسلامی، ملاحظات راهبردی ملی، پژوهش‌های جمعیتی، و برنامه‌ریزی و نظارت پیوسته بر تحولات جمعیتی
- توزیع سبد غذایی رایگان ماهانه به شکل بن کالا شامل مواد پروتئینی، لبنیات، برنج و حبوبات برای زنان باردار و مادران کودکان زیر ۲ سال، با اولویت سه دهک کم‌درآمد جامعه
- پوشش کامل بیمه‌ای برای درمان ناباروری‌های اولیه و ثانویه، افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان، اختصاص مرخصی استحقاقی تولد فرزند به پدر
- پرداخت هدیه تولد فرزند به مادر متناسب با تعداد فرزندان، افزایش حق عائله‌مندی در کلیه قوانین استخدامی
- تشکیل نهاد تخصصی مدیریت جامع جمعیت کشور برای راهبری، برنامه‌ریزی و نظارت و ارزیابی کلان جمعیتی
- بهبود شاخص‌های مؤثر در باروری با هدف افزایش میزان باروری‌های خواسته و ارتقاء سلامت جسمی، روحی و روانی کودکان و مادران
- ایجاد بانک‌های اطلاعاتی جامع جمعیتی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و رصد مستمر

تحولات جمعیتی در جهت اهداف و سیاست‌های جمعیتی کشور

- توجه ویژه به نقش زنان در آینده جمعیتی و بازتعریف سیاست‌های کلان با محوریت آنان
- طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های متنوع آموزشی، رسانه‌ای و تبلیغی در صداوسیما و شبکه‌های استانی برای ترویج فرزندآوری و آگاهی‌بخشی درباره پیامدهای کاهش نرخ باروری، با در نظر گرفتن الزامات راهبردی

منابع:

الف) منابع فارسی

- ابن‌خلدون، ع. (۱۳۹۳). مقدمه، جلد اول، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ادیبی‌سده، م. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران: انتشارات سمت.
- اعتمادی، ف. (۱۳۹۸). «نقش افزایش جمعیت در اقتدار ملی»، *فصلنامه ره‌توشه*، شماره ۹۸، صص: ۱۳-۲۴.
- امانی، م. (۱۳۸۰). *جمعیت‌شناسی عمومی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- بوتول، گ. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پرسا، ر. (۱۳۶۳). *جمعیت‌شناسی اجتماعی*، ترجمه دکتر منوچهر محسنی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- پولارد، ا. اچ؛ یوسف، فرحت و پولارد، ج. ان. (۱۳۷۲). *روش‌های تحلیل جمعیت*، ترجمه هما آقا و همکاران، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- ترکشوند مرادآبادی، م.، شمس قهفرخی، ف و زندی ناوگران، ل. (۱۴۰۲). «تغییرات جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده»، *دوفصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - اقتصادی*، سال ۱، شماره، صص: ۲۳۰-۲۶۳.
- ترکشوند مرادآبادی، م. (۱۴۰۲). *گزارش سالمندی جمعیت در ایران: نتایج داده‌کاوی آینده‌نگر*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ترکشوند، م. و حسینی، ح. (۱۳۹۱). «گذار ساختار سنی ایران (۱۳۳۰ تا ۱۴۵۰)»، *ششمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی*، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جهان‌فر، ر. و مرادیان، م. (۱۳۹۶). «بررسی آثار اقتصادی- اجتماعی جنگ تحمیلی عراق بر روند مهاجرت در استان خوزستان»، *فصلنامه اقتصاد دفاع*، سال ۲، شماره ۵، صص: ۱۱-۳۷.

- خرمشاد، م.ب.، آقامحمدی، م. و بابایی، س. (۱۳۹۸). «متغیرهای جمعیتی مؤثر در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال ۹، شماره ۳۶، صص: ۷-۳۲.
- درویشی، ف. (۱۳۸۰). بررسی استراتژی عراق در جنگ با ایران» در: تأملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- درویشی، ف. (۱۳۸۶). جنگ ایران و عراق: پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران: مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- زنجانی، ح. (۱۳۹۲). طرح پژوهشی ارزیابی ثبت اطلاعات وقایع حیاتی (ولادت، فوت و مهاجرت‌های داخلی) مکان‌محور، تهران: دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور.
- ساعی‌ارسی، ا. (۱۳۸۸). «جوانی جمعیت در ایران»، فصلنامه علوم رفتاری، سال ۱، شماره ۱، صص: ۱۱۵-۱۳۰.
- سرابی، ح. (۱۳۷۶). «مرحله اول گذار جمعیتی ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰، صص: ۵۱-۶۰.
- سرابی، ح. (۱۳۹۰). جمعیت‌شناسی: مبانی و زمینه‌ها، تهران: انتشارات سمت.
- فاضل‌نیا، غ.، توکلی، م. و جلالی‌ور نام‌خواستی، ج. (۱۳۸۹). «تحلیل تحولات جمعیتی و تأثیر آن بر ساخت کالبدی - فضایی مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان لنجان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- فتحی، ا. (۱۳۸۸). «بررسی سالمندی جمعیت ایران در نیم‌قرن اخیر و آینده آن تا سال ۱۴۳۰ شمسی»، هفته‌نامه برنامه، سال ۸، شماره ۳۳۴.
- فتحی، ا. (۱۳۹۹). نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت ایران، تهران: پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران.
- فروتن، ی. (۱۴۰۱). جمعیت‌شناسی ایران، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازنداران.
- فیروز، ک. و محمدمیرزایی، ز. (۱۳۹۱). بررسی ابعاد سلامت سالمندان با تأکید بر متغیرهای جمعیتی، ششمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- قدیری معصوم، م.؛ فرجی سبک‌بار، ح.ع. و چراغی، م. (۱۳۹۸). جغرافیای جمعیت ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کوششی، م. (۱۳۸۱). «ساختار سنی جمعیت ایران پس از گذار جمعیتی»، نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰). شاخص‌های جمعیتی ایران در گذر زمان ۱۳۳۵-۱۳۹۵، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- مسجدی، ف. و فتح‌زاده، ح. (۱۳۹۱). «بررسی وضعیت ساختار سنی جمعیت ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۰ و ضرورت بازنگری تئوری انتقال جمعیتی»، ششمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مشفق، م. و حسینی، ق. (۱۳۸۹). «انتقال سنی در ایران تحولات سنی جمعیت و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی»، فصلنامه جمعیت، سال ۱۹، شماره ۷۱-۷۲، صص: ۱-۲۱.
- مشفق، م. و حسینی، ق. (۱۳۹۰). «مقایسه گذار ساختار سنی ایران با کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه»، همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مشفق، م. و حسینی، ق. (۱۳۹۱). «آینده پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰»، فصلنامه معرفت فرهنگی/اجتماعی، سال ۴، شماره ۱، صص: ۲۱-۴۲.
- مهاجرانی، ع.ا. (۱۳۶۸). «ساختمان سنی و مسأله جوانی جمعیت ایران»، مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۱، شماره ۱ و ۲، صص: ۳۵-۴۸.
- خانجانی، م. و کارگر، ب. (۱۴۰۱). «نقش جمعیت در تولید قدرت ملی و ارتقاء اقتدار ملی»، فصلنامه دولت‌پژوهی ایران معاصر، سال ۸، شماره ۴، صص: ۳۵-۵۴.
- مهریار، ا. هـ. (۱۳۸۸). بررسی ابعاد سالخوردگی جمعیت و زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و جمعیتی آن، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- میرفلاح نصیری، ن. (۱۳۸۶). «مشخصه‌های جمعیت‌شناختی سالمندی جمعیت و نماگرهای مربوط در ایران»، مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۱۸، شماره ۲، صص: ۱-۱۴.
- هاشمی‌رفسنجانی، ا. (۱۳۹۳). کارنامه‌وخطرات، روزهای پایداری، به اهتمام عباس بشیری، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- هیر، د. ام. (۱۳۸۰). جامعه و جمعیت: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جمعیت، ترجمه یعقوب فروتن، بابلسر: نشر دانشگاه مازندران.
- ویکس، ج. (۱۳۹۶). جمعیت، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه: الهه میرزائی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

ب) منابع انگلیسی

- Borah, W. (1970). "The Historical Demography of Latin America: Sources, Techniques, Controversies, Yields", in Paul Deprez (ed.), *Population and Economics*, Winnipeg: University of Manitoba Press, pp. 173–205.
- Caldwell, J. C.; Caldwell, B. K; Caldwell, P.; McDonald, P. F.; Schindlmayr, T. (2006). *Demographic Transition Theory*, Dordrecht: The Netherlands Springer.
- Day, L. H. (1968). "Natality and Ethnocentrism: Some Relationships Suggested by an Analysis of Catholic--Protestant Differentials". *Population Studies*, Vol. 22, No. 1, pp. 27–50.
- Foroutan, Yaghoob. (2008), "Women's employment, religion and multiculturalism: Socio-demographic emphasis", *Journal of Population Research*, Vol. 25, No. 1, pp. 63-90.
- Hollingsworth, T. H. (1969). *Historical demography*, Ithaca, New York: Cornell University Press.
- Weeks, J. R. (1999). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, California: Wadsworth, Inc.